

به نام خداوند جان و خرد

ولادت حضرت عیسی (ع) و قرآن

نویسنده: حسین علی کوش

مترجم: مدیریت خوانداری موسوی



۱۳۹۲

فهرست مطالب

عنوان صفحه

پیشگفتار ترجمه	هـ
پیشگفتار نگارنده به ترجمه فارسی	ط
پیشگفتار نگارنده	س
بخش اول: ولادت حضرت عیسی (ع) در حیل عهد جدید	۱
۱- اسناد	۲
روی زمین - صلح الهی: داستان انجیل لوقا	۳
کودک روح القدس: داستان انجیل متی	۱۵
۲- تفاوت بین داستان‌های مربوط به ولادت در چیست؟	۱۷
آوازهای مذهبی کلیسایی مربوط به داستان ولادت عیسی (ع):	۱۸
محل‌های وقوع متفاوت	۱۹
روند زمانی متفاوت	۲۰
نقش دیگر تعمیددهنده	۲۳
ولادت حضرت عیسی (ع) به روایت‌های مختلف	۲۵
۳- پیام مشترک	۲۷
برای خداوند هیچ چیز ناممکن نیست	۲۷
وقفه: قدرت روح الهی	۲۹
پیامی برای بنی اسرائیل و جهانیان	۳۳
۴- عدم صلح جهانی بدون عدالت جهانی	۳۵

ب ولادت حضرت عیسی (ع) و قرآن

۳۵	 نجات دهنده‌ای در آغل
۳۸	 آن چه باعث تفاوت بین عیسی با بودا و لائوتسه است
۳۸	 حکومت جهانی روم از چشم انداز بیت اللحم
۴۲	 مرکز تجمع قدرت در بیت المقدس از چشم انداز کودک متولد شده در آغل
۴۵	بخش دوم: ولادت حضرت محمد (ص)
۴۶	۱- می‌توانان جیل عهد جدید را چگونه می‌خوانند؟
۴۶	 می‌توانان مسیحیان را به واسطه‌ی تناقضات سرزنش می‌کنند
۴۹	 اقدامی علیه مبلغان مذهبی
۵۰	۲- مبدأ پیامبر (ص)
۵۰	 اولین زندگی نام پیامبر (ص)
۵۱	 علایم معجزه به هنگام زایمان و بارداری
۵۵	 نشانه‌هایی پر راز و رمز به نام ولادت و پس از آن
۵۶	 محمد (ص) رویدادی جهانی
۵۸	 جشن ولادت پیامبر (ص) در بین مسلمانان
۶۱	بخش سوم: تولد یحیی (ع) و مریم (س)
۶۳	۱- یحیی - یک پیامبر
۶۳	 رسالت اساسی قرآن
۶۵	 ولادت معجزه گونه یحیی (ع) [سوره‌ی مریم]
۶۸	 در برخورد با یهودیان مدینه [سوره‌ی آل عمران]
۶۹	 یحیی به عنوان شخصیتی مشابه با عیسی
۷۲	۲- «به یادآور مریم را» [سوره‌ی مریم]
۷۲	 روح القدس بر مریم ظاهر می‌شود
۷۸	 کناره‌گیری‌های مریم (س) - آزاد شدن برای خدا
۸۳	 تولید مثلی روحانی و نه جسمانی
۸۴	 بارداری مریم - چه مدت؟
۸۵	 نخل خرما و جویبار: آیا مریم در مصر است؟
۸۸	 تنها بانویی که در قرآن نامش آمده است

۳- ولادت مریم (س) و دوران کودکی: [سوره ی آل عمران]	۹۰
مریم به عنوان بازتاب یک شخصیت برای یهودیان	۹۰
شباهت‌هایی با دوره‌ی اولیه‌ی مسیحیت	۹۲
انتخاب مریم توسط خداوند	۹۵
خلقت به وسیله‌ی روح و زایمان زن باکره	۹۷
۴- بزرگداشت مریم (س) در اسلام	۱۰۰
اندیشه‌ی زیارتی مریم همراه با مسلمانان	۱۰۰
خیالی مریم در افس - زیارتگاهی برای مسیحیان و مسلمانان	۱۰۲
بندیک - شانزدهم، سال ۲۰۰۶ در خانه‌ی مریم	۱۰۶
بخش چهارم: ولادت حضرت عیسی (ع) در قرآن	۱۰۹
۱- اولین بیانات قرآن دربارۀ عیسی (ع): [سوره‌ی مریم]	۱۱۰
تولد معجزه‌آمیز عیسی (ع)	۱۱۰
عیسی (ع) به عنوان «بنده‌ی خدا»	۱۱۲
نزد خداوند پسری نیست	۱۱۶
۲- آیاتی درباره‌ی عیسی (ع) در مدینه: [سوره‌ی آل عمران]	۱۲۰
چرا صحنه‌ی دومی از ماجرای بشارت؟	۱۲۱
عیسی به عنوان «کلمه‌ی خداوند» به چه معناست؟	۱۲۲
۳- داستان‌های ولادت در مقایسه با هم	۱۲۵
آن‌چه انجیل عهد جدید و قرآن را به هم پیوند می‌دهد	۱۲۵
آن‌چه انجیل عهد جدید و قرآن را از هم متفاوت می‌کند	۱۲۸
بخش پنجم: فراخوانی برای گفتمان	۱۳۳
۱- سخنی مشترک	۱۳۴
متن کلیدی قرآن: [سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۴]	۱۳۴
مدلی برای آگاهی دادن؟	۱۳۵
۲- بیانیه‌ی ۱۳۸	۱۳۷
نتیجه‌گیری‌هایی برای مسلمانان و مسیحیان	۱۳۸
بیانیه‌ای که مورد سوء ظن است	۱۴۰

د ولادت حضرت عیسی (ع) و قرآن

۱۴۲	پرسش‌های انتقادی
۱۴۴	اجماع در درک عیسی (ع)
۱۴۷	۳- مسیحیان و شب مقدس اسلام
۱۴۷	وظایف مشترک آینده
۱۴۹	شب قدر
۱۴۹	تبادل سلام‌های صلح‌آمیز
۱۵۱	پیام: از: «رهی «مریم» و نگاهی به انبوهی (حبشه)
۱۵۷	فهرست منابع

پیشگفتار مترجم

هدف مشترک ادیان توحیدی چیست؟

پاسخی کوتاه به این پرسش، می‌تواند ما را به چهارچوبی که این کتاب بر اساس آن تدوین شده است، رهنمون شود.

پایه‌ی مشترک ادیان توحیدی بر شناخت پروردگار جهان و در سایه‌ی این شناخت بر دست یافتن به تعالی مادی و معنوی استوار است. این حقیقت که هر دین کامل‌کننده‌ی ادیان پیشین خود بوده است، با رجوع به اصول زمانی و شرایط جدید اجتماعی، امری توجیه‌پذیر و عقلانی است. بزرگ‌ترین عامل مشترک ادیان توحیدی تأکید بر وجود پروردگار قادر یکتا به عنوان تنها خالق هستی است. این اعتقاد ما را به سوی تعالیم الهی رهنمون می‌شود که در کتب آسمانی و به واسطه‌ی وجود پیروان به بشر ابلاغ شده‌اند. می‌توان نتیجه گرفت که ادیان توحیدی در بطن خود، دارای پیام مشترکند، که بر وجوه افتراق بین آنها، که تابع شرایط زمانی و مکانی بوده‌اند، سایه می‌افکند. هر دین الهی جدید شامل سلسله احکامی بوده که احکام دین الهی ماقبل خود را استحکام می‌بخشیده، است. اجزایات را بسط بیش‌تری می‌داده و فراگیرتر می‌شده است. لذا به تفاوت ادیان الهی نباید عریان اختلافی بزرگ، غیر قابل درک و توجیه‌ناپذیر از سوی پیروان هر کدام از این ادیان، نگریست.

ادیان توحیدی چون حلقه‌های به هم پیوسته‌ی زنجیره‌ای الهی هستند، هر حلقه در جای خویش و در ارتباط با دیگر حلقه‌ها ارزش می‌یابد. تأکید بر نقاط مشترک ادیان توحیدی ضروری است، ضمن آن‌که به وجوه اختلاف و افتراق بین آنها باید به دیده احترام نگریست.

و ولادت حضرت عیسی (ع) و قرآن

این نگرش همراه با بردباری مذهبی و راهکارهای عقلانی در سطح جامعه جهانی، می‌تواند راهگشای حل بسیاری از اختلاف نظرها و پرهیز از تعصب‌ها و یک‌سوگرایی‌ها باشد. این حقیقت که لازمه‌ی صلح جهانی و پایدار، گفتگوی بین ادیان واقعی بوده و هست، از سوی بسیاری از اندیشمندان همواره تأکید شده است. هدف از ترجمه حاضر نیز، مؤکد این اصل است.

گفتگوی بین تمدن‌ها که در ابتدای قرن ۲۱ از سوی سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت کشور، عنوان شد، موضوع بحثی قرار گرفت که پروفیسور کوشل در آن شرکت داشت. این جلسه با حضور تنی چند از استادان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی در دوره‌ی ریاست جمهوری سید محمد خاتمی برگزار شد.

موضوع گفتگو، بین ادیان نکته‌ای بود، که کوشل بر آن همواره تأکید می‌کرد. تألیفات ایشان گواه محتوای فکری این است.

کتاب حاضر پایه بر این نگرش دارد. ولادت حضرت مسیح (ع)، پدیده‌ای که میلیون‌ها مسیحی را در سراسر جهان در تاریخ و دین به هم پیوند می‌دهد و در مقیاس کلان‌تری مبدأ تاریخ اکثریت کره خاکی و آغاز سلسله‌ی ملل قرار گرفته و برای بسیاری از مردمان بشارت عشق، ایمان و امید می‌دهد، در قرآن یک موضوع کلیدی تلقی شده است.

توجه قرآن به این ولادت معجزه‌گونه و به شخصت‌هایی چون حضرت مریم (س) و عیسی (ع) نکته‌ای در خور تعمق است. اسلام ولادت مسیح را معجزه‌ای الهی می‌داند که پس از آن هرگز روی نداده و نخواهد داد. این تأکید بر آن است که اسلام به دور از تعصب‌هایی که غالباً به آن نسبت می‌دهند با تأیید و تأکید بر این معجزه آن را بستری مناسب می‌داند که گفتگوی بین ادیان را می‌توان بر آن بنیان نهاد. این مطلب درباره دین یهود و تأکید بر شخصیت ویژه حضرت موسی (ع) و معجزات آن حضرت نیز صدق دارد. این‌ها حقایقی هستند که بسیاری از یهودیان و مسیحیان جهان از وجودشان بی‌خبرند. تأکید بر این نگرش قرآنی از سوی اندیشمندی مسیحی و استاد دانشگاه - کارل یوزف کوشل - بر اهمیت این اثر می‌افزاید.

این کتاب تلاشی است تا اسلام را از منظر یک رویداد مذهبی مسیحی، رویدادی که مهم‌ترین حادثه در دین مسیحیت است، به دور از تنگ‌نظری‌ها و تعصب‌ها و خرافات مذهبی که

متأسفانه همه‌ی ادیان الهی در مسیر تحول و تکامل خویش، با آن‌ها دست به گریبان شده‌اند، به مسیحیان جهان شناساند.

هدف نویسنده تأکید بر مشترکات بین اسلام و مسیحیت است؛ با توجه به آن که باید به وجوه افتراق همانگونه که پیش‌تر نیز از آن سخن رفت، به دیده‌ی احترام نگریست و آن‌ها را صرفاً از جنبه‌ی علمی و تاریخی، به دور از پیش‌داوری‌ها، بررسی کرد.

در این کتاب ولادت حضرت عیسی (ع) از دیدگاه قرآن و انجیل‌های چهارگانه، بررسی شده است. نویسنده بدون جانبداری، همانگونه که لازمه‌ی کاری علمی است، به تحلیل آیات قرآن کریم در این خصوص و روایات انجیل پرداخته است. در تحلیل آیات و روایات اسلامی منابع اصلی و ثانویه، در بخش مربوط به ولادت پیامبر اسلام (ص)، منابع قدیمی اسلامی بوده‌اند، که این کتاب‌ها، بکتاب اهل سنت است.

لازم به ذکر است که ترجمه‌ی رعایت دقت تخصصی در ترجمه‌ی آیات قرآن کریم از متن جناب آقای بهاء‌الدین خراسانی استفاده کرده و از ترجمه‌ی شخصی خودداری کرده است.

امید آن می‌رود که خوانندگان محترم این اثر را به ویژه اهل علم، مؤلف و مترجم را از نظریات اصلاحی خویش بهره‌مند سازند تا با تطیف الهی اشکال‌ها و شبهه‌ها، باز هم کاهش یابد.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از زحمات و راهنمایی‌های بی‌شائبه‌ی جناب آقای دکتر محمد تقی احمدی، که پیگیری و هماهنگی انتشار این اثر را به عهده گرفتند، سپاسگزاری و قدردانی نمایم.

این نوشتار را به پاس همه‌ی محبت‌ها، به مادرم مریم تهرانی موسوی و خواهرم فاطمه موسوی احمدی، تقدیم می‌کنم.

صدیقه خوانساری موسوی

توینگن فوریه ۲۰۱۳

www.ketab.ir

پیشگفتار نگارنده بر ترجمه‌ی فارسی

این کتاب با هدف گفتگو نگاشته شده است. این اثر را محققى مسیحى نوشته، که سال‌ها برای دستیابی به درک بهتر از دین اسلام کوشیده است. به ویژه از آن طریق که وی قرآن را به طور اساسی مطالعه کرده، آن را در ارتباط با انجیل قرار داده و زمینه را برای گفتگو بین مسیحیان و مسلمانان بارور کرده است. این کتاب حاصل مطالعات ممتد در راستای ارتباط بین انجیل و قرآن است. با این اعتقاد که کتب آسمانی ما سرچشمه‌ی حقیقی دارند که در گفتگو پیرامون موضوعات اعتقادی وارد شوند. گفتگو به معنای یکسان‌سازی نیست، به معنای انکار و یا خشتی کردن تفاوت‌های موجود بین مسیحیت و اسلام نیست. اما گفتگو مسأله‌ای مثبتی دارد و آن این‌که، انسان از طریق مطالعه‌ی متون مهم و برخورد با انسان‌ها همه‌ی تلاش خود را به کار می‌گیرد تا دیگری را بفهمد، به عبارتی با مسئولیت، بر مشترکات کار کند و همزمان با یکی بودن «دیگری را و برداشت او را از حقیقت محترم شمارد. قرآن از انسان‌های با ایمان، نمایی را می‌دهد که دشمنی و بی‌احترامی را سرلوحه قرار دهند، بلکه از آن‌ها می‌خواهد تا «به انجام خیرات بپردازد» (سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۴۸). من نیز هنگامی که این کتاب را نوشتم، کتابی که هم اکنون خواننده‌ی من در ایران می‌تواند آن را به زبان خود مطالعه کنند، این کلام قرآن را به عنوان یک مسیحی، با اهمیت تلقی کردم. به واسطه‌ی مطالعات طولانی و برخورد با بسیاری از مسلمانان در سراسر جهان به این باور رسیده‌ام که مسیحیان و مسلمانان باید از طریق رواداری مذهبی، تفاوت‌ها را درک کنند، اما با آگاهی به مشترکات و از این بابت شکرگزار پروردگار باشند.

تلاش من برای گفتمانی جدی بین مسیحیان و مسلمانان بیست سال پیش با کشف «ریشه‌های ابراهیم» آغاز شد، ریشه‌هایی که از آن‌ها یهودیت، مسیحیت و اسلام رشد کرده‌اند. این سه دین، ابراهیم را به عنوان پدر ایمانی خویش می‌شناسند، کیست که این حقیقت را به آنان می‌آموزد؟

بر اساس انجیل عبری، وجود ابراهیم (ع) برکتی برای «تمامی نسل‌ها در روی زمین» بوده است [Gen 12, 2-3].

در انجیل عهد جدید، ابراهیم «پدر همه‌ی ما در پیشگاه خداوند است» [Römerbrie 4, 17].

بر اساس قرآن، ابراهیم «پیشوای انسان‌ها» است [سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۴]. از این روستان یهودیت، مسیحیان و مسلمانان نه به «ابراهیم»، بلکه به خدایی ایمان دارند که ابراهیم (ع) او را ستود. سکولارمنده، حافظ و کامل کننده‌ی انسان و تاریخ می‌داند. بدین دلیل تمامی این سه کتاب مقدس ابراهیم را «دوست خدا» می‌خوانند [Jes 41, 8]. نامه‌ی یاکوبوس در انجیل عهد جدید [23, 2] و [سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۲۵]. ابراهیم می‌تواند به ما انسان‌ها بی‌سرورد که ما به خود تمام تجربه‌های ضد و نقیض زندگی، توکل به خداوند چه معنایی دارد.

کشف ریشه‌ی ابراهیم برای من، پیامدهای بی‌گناهی همراه داشت. من این نتایج را در دو کتاب به رشته‌ی تحریر در آورده‌ام که بر کتاب حاضر پیش دارند. یکی از کتاب‌ها «نزاع بر سر ابراهیم؛ آنچه یهودیان، مسیحیان و مسلمانان را از هم جدا می‌کند و آنچه آنان را وحدت می‌بخشد» (۱۹۹۵) و دیگری «یهودیان - مسیحیان - مسلمانان: اوقات آینده» (۲۰۰۷) است. من بر اساس کتب مقدسمان، این امکان را دیدم که یهودیان، مسلمانان و مسیحیان (آن‌چنان که غالباً در تاریخ روی داده است) از یکدیگر به عنوان «کافر»، «گمراه» یا «عقب افتاده» فاصله نگرفته و یکدیگر را محکوم نکنند، بلکه به یکدیگر به عنوان «فرزندان ابراهیم» به‌طور متقابل احترام بگذارند و هر یک به شیوه‌ی خود در پیشگاه خداوند عمل کنند. یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در روایاتی با یکدیگر مشترک هستند که با دیگر ادیان آسیایی چون هندوئیسم و بودیسم شباهتی ندارد: برای مثال روایات مربوط به حضرت آدم و خلقت، حضرت نوح و نجات از توفان، موسی (ع) و نبردش علیه فرمانروایی ستمگر، یوسف (ع) و

زندگی پر فراز و نشیبش، که با برکت الهی همراه بود، داوود (ع) که کتاب زبور را خداوند به او بخشید. این‌ها تنها مثال‌هایی چند هستند.

آنچه برای ما مسیحیان اهمیت ویژه دارد روایات مشترک با مسلمانان، درباره‌ی یحیی (ع) است، کسی که مسلمانان او را نبی [سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۳۹] می‌دانند و برای مسیحیان وی [یحیی‌ای تعمیددهنده] است [انجیل متی ۸-۱، ۳۰]، درباره‌ی عیسی (ع) که مسلمانان او را به عنوان «فرستاده‌ی خدا» [سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۷۵] و مسیحیان او را به عنوان «پسر خدا» [انجیل لوقا ۳۲] مورد احترام قرار می‌دهند و از مریم (س) کسی که برای مسیحیان و مسلمانان بانویی است، به‌ویژه مورد رحمت واقع شده [انجیل لوقا ۳۰، ۱] و «بانویی برگزیده» از طرف خداوند [سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۴۲] است. آری مریم، مادر مسیح، تنها بانویی است که در قرآن نامش صریحاً ذکر شده است، این که بر جایگاه رفیعی تأکید می‌کند که مریم (س) در کتاب آسمانی مسلمانان از آن برجسته‌تر است. اسطه این «تلاقی‌ها» در روایات، مسیحیان و مسلمانان در جامعه‌ی عقیدتی ویژه‌ای با هم می‌زنند، خرده‌انده‌اند. قرآن نمی‌خواهد که حاوی وحیی متضاد باشد، یعنی حاوی آنچه در تاریخ ادیان وجود داشته است و آنچه که دیگر ادیان را بی اعتبار می‌کند؛ بلکه قرآن، خواهان تجدید دوباره‌ی دین کهنه است، کسی که خداوند پیش از این، آن را به یهودیان و مسیحیان به امانت سپرده بود: «دین ابراهیم» [سوره‌ی بقره، آیات ۱۳۰، ۱۳۵]. آری قرآن به جد از مسلمانان می‌خواهد که: «بگوئید به خداوند و آنچه بر او آمده بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و آنچه به امامان از سوی پروردگارشان داده شده، ایمان آورده‌ایم و بین هیچ یک از آنان فرق نمی‌گذاریم و ما فرمانبردار او هستیم» [سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۳۶].

برای ما مسیحیان این حقیقت به ویژه حایز اهمیت است که قرآن برای ولادت مسیح (ع) اهمیت زیادی قایل است و به آن عمق دینی می‌دهد. این ولادت آنگونه بزرگ است که در دو سوره‌ی از آن سخن به میان رفته است. در سوره‌ی مریم، آیات ۱۶ تا ۳۵ و نیز در سوره‌ی آل عمران، آیات ۴۵ تا ۵۹ آن‌چنان از بشارت الهی به مریم و ولادت فرزندش و اعمال او حکایت می‌شود که عیسی «نشانه‌ای الهی برای مردمان» می‌گردد، نشانه‌ای از «رحمت» خداوند [سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۲۱] و بیش‌تر آن‌که بر اساس سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۳۲، عیسی (ع) «زورگویی

سخت دل» نیست، بلکه نشانه‌ای از «صلح» است. «و بر من در روزی که زادم و در روزی که در گذرم و روزی که زنده برانگیخته شوم درود باد» [سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۳۳].

در کتاب مقدس مسیحیان نیز در دو متن از ولادت عیسی (ع) سخن می‌رود، در انجیل متی و در انجیل لوقا. در کتابی که پیش روی شماست، من کوشیده‌ام با علاقه و احساس و نیز با عینیت گرایی هر دو روایت را، روایت قرآن و انجیل عهد جدید را به سوی گفتگو آورم. در این مقاله من تفاوت‌ها را آن‌چنان استخراج نموده‌ام که تشابهات را. و نشان داده‌ام که بندرت روایتی که چون ولادت حضرت عیسی این چنین وحدت‌آفرین است که دو کتاب مقدس را کنار هم قرار دهد، رشته‌های گفتگو را از ورای مرزهای دینی به هم پیوند دهد و مسیحیان و مسلمانان را به بحث گفتگو کنار یکدیگر گرد آورد.

افزون بر این روایتی که آرزو می‌کنم که مسیحیان و مسلمانان با ظرافتی بیش از گذشته با یکدیگر تعامل داشته باشند، این کتاب در باره این مسئله نیز نکاتی آورده‌ام. این موضوع می‌تواند برای مسلمانان و مسیحیان توجه دو جانبه به اعیادی باشد که در دین دیگری جشن گرفته می‌شوند. در گذشته عبادت طرف با بی‌اعتنایی کنار هم زیسته‌اند. از هر دو سو بی‌اعتنایی، غالباً همراه با خودشیفتگی حاکم بوده است با این دیدگاه‌ها که دین هریک از دیگری برتر است و فرقی نمی‌کند که در جهان دین مقابل چه روی می‌دهد. در آغاز هزاره‌ی سوم زمان آن فرا رسیده که دوره‌ای جدید در مبادلات بین ادیان و شیوه‌ی جدید گفتگو بین ادیان آغاز شود. اعیاد بهانه‌ی خوبی برای این منظورند. مسیحیان باید همه‌جا در سراسر جهان اعیاد اسلامی را بزرگ شمارند و در متن مسلمانان نیز احترام و شادمانی خویش را نسبت به اعیاد مسیحی بیان دارند.

در «ایام ولادت حضرت مسیح (ع)» مسیحیان عید ولادت را جشن می‌گیرند. این امر برای آن‌ها نیز «نشانه‌ای الهی برای مردمان» و نشانه‌ای از رحمت پرور خداست. این قرآن است که به مسلمانان این انگیزه را می‌بخشد که به همراه مسیحیان به ولادت حضرت عیسی (ع) بیندیشند و در این ولادت نشانه‌ای از صلح را ببینند. جهان بی‌قرار ما که غالباً به سبب ستمگری‌ها در وحشت به سر می‌برد، در خور این بهره (صلح) است. در حالی که این جهان تنها بهره‌ای ناچیز از صلح در هر دو سو دارد. چقدر می‌توان حس اعتماد را بین انسان‌ها در سراسر جهان ایجاد کرد، این حس توان رشد دارد وقتی که مسیحیان و مسلمانان به هنگام

ولادت حضرت عیسی (ع) سلام‌های دوستانه رد و بدل سازند و با این سلام در زندگی واقعی امری جدی را مد نظر داشته باشند: «درود بر تو و بر خانه و خانواده‌ات». درود به نام آن کسی که فرشته او را به مریم (س) بشارت داد: «ای مریم خداوند تو را به کلمه‌ی خویش که نامش مسیح عیسی بن مریم است و در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [الهی] است، بشارت می‌دهد» [سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۴۵]. مسیحیت و اسلام بر بیش از دو میلیارد جمعیت این کره‌ی خاکی تأثیر گذارند. وقتی پیروان این ادیان صلح را استوار نسازند، جهان ما تاریک و بی‌امید خواهد بود.

پس من مسرتی بزرگ است که می‌توانم از طریق ترجمه‌ی خانم صدیقه موسوی، افکارم را با شما در میان بگذارم. از صمیم قلب از ایشان برای کار صبورانه و محنت‌آمیزشان از پشتکار فراوان وی، تشکر می‌کنم. امید می‌رود که این کتاب و نتیجه‌ی مشترک زحمات ما، ان شاء الله، بر آن دارد که مصمم‌تر از گذشته خود را در برابر گفتمانی متقابل متعهد بسازد.

پروفسور دکتر کارل - یوزف کوشل

دانشگاه توبینگن - اکتبر ۲۰۱۲

www.ketab.ir

پیشگفتار نگارنده

تلاقی مسیحیان و مسلمانان به هنگام میلاد حضرت عیسی (ع)

در این جا کتابی را پیش رو می‌دارم که می‌توان آن را هنگام میلاد حضرت مسیح، اما نه تنها در این ایام، خواند؛ زیرا مطالبی که در این کتاب به آن‌ها پرداخته می‌شود، به هیچ فصل و جشی وابسته نیستند. این موضوعات مروری در گفتگوی بین مسیحیان و مسلمانان را برای برداشتی مناسب از شخصیت و موضوع مسیح (ع) تدفین قرار می‌دهند، داستان‌های مربوط به تولد حضرت عیسی در انجیل و قرآن دارای ویژگی اختصاصی نیستند، اما شخصیتی مثال‌گونه دارند. در هیچ‌ها قوی‌تر از این‌جا داستان‌های انجیل و قرآن با یکدیگر مواجه نمی‌شوند.

این روایات به گونه‌ای شگفت‌انگیز نکاتی مشابه را بیان می‌دهند، اما تفاوت‌هایی روشن را نیز در برداشتی که مسلمانان و مسیحیان از شخصیت عیسی (ع) به عنوان «فرستاده‌ی الهی» دارند، آشکار می‌سازند. این کتاب تنها اثری درباره‌ی ولادت عیسی نیست، نوشته‌ای موجز و منحصر است که از طریق روایت‌های مربوط به ولادت یحیی، مسیحیان او را یحیای تعمیددهنده می‌نامند، مریم و عیسی، قصد دارد مسیحیان و مسلمانان را به گفتگوی درباره‌ی مسائل زیر بنایی اعتقادی‌شان برانگیزد. من به خوبی حال و هوایی را که موجب اثرش این اثر شد، به یاد می‌آورم. اواخر دهه‌ی هشتاد مرا به شهر آلن^۱ در ایالت وست فالن^۲ دعوت کرده بودند تا موضوع کتابم «نزاع بر سر ابراهیم - آن چه یهودیان، مسیحیان و مسلمانان را از هم

1. Ahlen
2. Westfalen

جدا می‌کند و آنچه آنان را به هم پیوند می‌دهد» (۱۹۹۴) را به علاقه‌مندان بیش‌تری معرفی کنم. تازه از راه رسیده بودم که مرا به راهی که به بخش قدیمی شهرآلن منتهی می‌شد، هدایت کردند. این امر یادآور سرنوشت یهودیان این شهر از سال ۱۹۳۳ بود. شهروندان این شهر وظیفه‌ی خود دانسته بودند که این خاطره را به معنای واقعی بر سنگفرش شهرشان حک کنند، برای یادآوری و تذکر به نسل‌های بعدی. روی اثر یادبودی که در سال ۱۹۸۵ پرده‌برداری شده بود، خانده یهودیان آن زمان در خیابان کلستر^۱ نام صدها تن از قربانیان نسل‌کشی یهودیان حک شده است که تنها از شهر آلن بوده‌اند. کتابی درباره‌ی تاریخچه‌ی یهودیان شهرآلن این عنوان را داراست: «آه آشوب ویتس از شهر آلن می‌گذرد» (۱۹۸۸).

همزمان گورشی به اطلاع من رساندند که درباره‌ی ابتکار عمل ویژه‌ای از سوی مسیحیان و مسلمانان در شهر بود. مقاله‌ی روزنامه‌ای را به دست من دادند. در این مقاله ماجرای درج شده بود که در ۲۲ دسامبر ۱۹۸۶ روی داده بود:

«جمعیت کاتولیک سنت یوزف شهر آلن در ایالت وست فالن قصد آن دارد تا به طور جدی برای ایجاد رابطه‌ی خوب همسایگی با جمعیت مسلمانان در این شهر تلاش کند. طبق آنچه که یکی از همکاران جمعیت کلیسا در گفتگویی با رادیوی «من آلمان» اظهار داشته، رویدادی در شب عید کریسمس گذشته موجب این تلاش شده است. دو تن از اعضای مسجدی که در همسایگی کلیسا است با دسته گلی بسیار زیبا هنگام برگزاری مراسم زایش به کلیسا می‌آیند تا درودها و تبریکات تمامی مسلمانان ساکن شهر آلن را به مسلمانان حاضر در کلیسا به مناسبت میلاد حضرت عیسی (ع) ابلاغ کنند. حاضران در کلیسا از این نشانی تبریک و رواداری مذهبی با کف زدن ناگهانی استقبال کرده‌اند، همزمان بسیاری از مسیحیان نیز شاد شده‌اند که چرا در گذشته به اعیاد بزرگ اسلامی توجهی نکرده‌اند. رویداد شب میلاد حضرت عیسی (ع) امید به همزیستی خوب با برادران و خواهران مسلمان را تقویت بخشیده است. دلیل این برخورد منحصر به فرد در شب میلاد حضرت عیسی (ع)، رفتار ما که تاکنون در برابر همسایگان

مسلمانان رفتاری بی تفاوت بوده است به توجه و حضوری قلبی تبدیل خواهد شد.^۱ این صحنه تاکنون مرا رها نکرده است. من این بریده‌ی روزنامه را به دقت نگه داشته و به کرات در سخنرانی‌هایم از آن استفاده کرده‌ام. از این صحنه چه معنا و مفهوم دیگری در برابر ما ظاهر می‌شود؟ با خودمان رو راست باشیم. «عید میلاد مسیح» به کرات نزد ما دست کم گرفته شده، سطحی و به شکلی کم ارزش عرضه شده است. جشنی در سطحی بدون ژرفای مذهبی، بدون مایه‌ی فکری و بدون مسئولیت اخلاقی و ما در کشور خود نیز این عید بزرگ مذهبی را به سطح نازل تا سر حد انحلال تنزل داده‌ایم.

چهارده سال پیش هرمان هسه امری را بیان کرد که تا به امروز تغییر نکرده است: «شب میلاد حضرت عیسی (ع)، صرف نظر از تعداد محدودی افراد مؤمن، مدت‌هاست که واقعاً کاری احساسی نیست، بلکه جدی‌تر هم شده است، موضوعی تبلیغاتی، عرصه‌ای برای کارخانه‌داران فریب‌ناز و مترقی‌بینه برای عرضه‌ی محصولات مبتذل». برای خواندن نقل قول‌هایی این چنین مراجعه شود به کتاب دیگر من «کریسمس شاعران، متونی بزرگ از توماس مان»^۲ تا راینر کونته^۳ (۲۰۰۴).

اما در گفتگو با مسلمانان پیام رحمت عیسی (ع) می‌تواند نیرویی تازه یابد. چرا که نزد مسلمانان میلاد مسیح (ع) «نشانه‌ای الهی» برای بشریت است. هسته‌ی مرکزی داستان ولادت عیسی نزد مسیحیان و مسلمانان یکسان است. عیسی مرد صلح و «نه جباری شقی» است [سوره‌ی مریم، آیه ۳۲].

عیسی «نشانه‌ی الهی» است، نشانه‌ای از رحمت خداوند است [سوره‌ی مریم، آیه ۲۱]. این موضوع را مسیحیان و مسلمانان می‌توانند دوباره به خاطر آورند. آنان به هر طریق می‌توانند نمایندگان امین و حافظان پیام دین محوره‌ی ولادت عیسی (ع) شوند. علی‌رغم سطحی نگری‌ها، بی‌محتوایی‌ها و احساساتی بودن‌ها. شنیدن این خبر که در سال ۲۰۱۲، مسیحی و

۱. این مقاله از سوی آقای شکرو بولوت در اختیار من قرار گرفت. ایشان که در حال حاضر در شهر کلن هستند، در آن زمان در تأسیس مسجد شهر آلن فعالیتی به سزا داشتند. من از ایشان برای در اختیار گذاشتن این مقاله و دیگر منابع و نیز از تلاششان برای درک بهتر مسیحیان و مسلمانان از یکدیگر در آلمان تشکر می‌کنم.

2. Thomas Mann

3. Reiner Kunze

هشت تن از علمای مسلمان از سراسر جهان، برای مسیحیان جشن میلادی صلح‌آمیز آرزو کردند، توجه مرا به خود جلب کرد. یک رویداد تاریخی بی‌مانند. این پیام کریسمس را مؤسسه‌ی تفکر اسلامی وابسته به بنیاد پادشاهی آل‌البیت اردن در عمان / اردن منتشر کرد. نمایندگانی از هر دو شاخه‌ی بزرگ اسلامی، اهل تسنن و اهل تشیع، همچنین پیروان صوفیه جزء این گروه هستند. متن پیام چنین است:

«ایام خداوند بخشنده‌ی مهربان؛

عده: محمد (ص) و خاندانش را متبرک گردانند،

چون که ابراهیم (ع) و خاندانش را متبرک گردانید.

سلام علیکم، درود بر شما باد».

درود بر عیسی مسیح می‌گوید: «و بر من در روزی که زادم و در روزی که درگذرم و روزی که زنده برانگیخته شوم در «شما باد» [سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۳۳].

در چنین ایام خجسته‌ای ما به شما همسایگان مسیحی در سراسر جهان سپاس خود را ابلاغ می‌داریم، قدردانی از پاسخ‌های برادر و دوستانه‌ای که ما مسلمانان دریافت کرده‌ایم، از هنگامی که دعوت خود را برای گرسنگایی دنیایی «کلامی مشترک» که بر پایه‌ی «عشق به خداوند و عشق به هم‌نوع» است، ارسال داشته‌ایم.

ما از شما سپاسگزاریم و برایتان عید میلادی برت‌عشر و سرشار از آرامش به یاد ولادت عیسی مسیح (ع) آرزو می‌کنیم. ما مسلمانان شهادت می‌دهیم خدایی جز خداوند یگانه نیست و محمد (ص) بنده و پیامبر اوست و عیسی (ع) بنده، پیامبر و کلمه‌ی اوست که بر مریم عطا شد و روح او ... [صحیح بخاری، کتاب احادیث الانبیاء].

در این ایام پربرکت که مصادف با عید قربان مسلمانان است، عید که به یاد ابراهیم نبی (ع) است، دعا می‌کنیم که سال نو برای جهان رنج دیده، رهایی و صلح به همراه آورد. امتناع پروردگار، هنگامی که ابراهیم قصد داشت در پیشگاه او به جای یک پسرش را قربانی کند، در زمان حاضر فرمانی الهی و مأموریتی محکم برای تمامی معتقدان ادیان ابراهیمی

است که همواره تا حد توان بکوشند تا زندگی هر فرد انسانی را نجات بخشند، از آن مراقبت نمایند و برایش ارزشی والا قایل باشند، به ویژه زندگی هر کودکی را. می‌خواهیم یک بار دیگر بگوییم که امسال اندیشمندان مسلمان بیانیه‌ای تاریخی منتشر کردند که در آن بر قداست زندگی انسانی به عنوان اصل اساسی و زیر بنایی در اسلام تأکید ورزیده‌اند و بر این عقیده تمامی اندیشمندان اسلامی اتفاق نظر دارند.^۱

بعد است که در سال آتی، قداست و کرامت زندگی انسانی از سوی همه حفظ شود، اصل ارزشی که این سال، سال بازگشت راستین به پیشگاه خداوند باشد و سال بخشش متقابل در هر جامعه‌ای و بین جوامع مختلف و سیاس از آن پروردگار جهانیان است.

قدرتی بی‌پایان «پیش‌هایی بی نظیر و دوستانه»؟ انتشار «بیانیه‌ای تاریخی»؟ منظور رویدادی حقیقی است، مه ۲۰۰۷ همین گروه متشکل از ۱۳۸ تن از اندیشمندان اسلامی نامه‌ای به پاپ بندیکت شانزدهم و به نمایندگی از رهبران کلیساهای مسیحی منتشر کردند و در آن خواهان گفتگویی بین مسیحیان و مسلمانان شدند. در این نامه آمده است «نخستین بار از زمان پیامبر (ص) اندیشمندان مسلمان به سران یکپارچه گرد هم آمده‌اند تا» «زمینه‌ی مشترک بین اسلام و مسیحیت را» توضیح دهند. این زمین مشترک کجاست؟ در رسالت دوگانه‌ی عشق! بخش‌هایی دیگر از این نوشته بر آن است تا رسالت دوگانه‌ی عشق به خداوند و عشق به هم‌نوع را به یاری قرآن و سنت (احادیث پیامبر (ص) به اثبات رسانند. این نوشته هم‌زمان توجه را به موارد مشابه در انجیل عهد عتیق و انجیل جدید جلب می‌کند. نتیجه آن که:

«یگانگی خداوند، عشق به او و عشق به هم نوع زمین مشترک ما به نمایش می‌گذارند که بر آن اسلام و مسیحیت بنا شده‌اند». ما از این نوشته در مسیحیت این کتاب بیش‌تر خواهیم شنید. آن جا این موضوع بحث ماست.

مسلمانان برای مسیحیان «عیدی مسرت‌بخش و توأم با آرامش به یاد آمدن عید مسیح (ع) آرزو می‌کنند».

۱. اطلاعات بیش‌تر در این رابطه:

چگونه می‌توان این موضوع را ارزیابی کرد؟

به عنوان زستی مؤدبانه، حرکتی دیپلماتیک، اقدامی سیاسی و اعتماد برانگیز با توجه به وضعیت دشوار جهانی، این گونه نیز ممکن است. اما مسلمانان بر اساس کتاب مقدس خود برای بزرگداشت عیسی (ع) به شکلی ویژه دلایل خوبی دارند. بین مسیحیان افراد بسیار کمی می‌دانند که در قرآن داستان‌های انجیل با گستردگی و ژرفای شگفت‌انگیزی بیان شده‌اند. روایاتی درباره‌ی نوح، ابراهیم، موسی تا عیسی و مریم (س)^۱ از این رو داستان ولادت عیسی (ع) در قرآن به تفصیل منعکس شده و حتی در دو سوره: در سوره‌ی مریم که در مکه نازل شده است و در سوره‌ی آل عمران که بعداً در مدینه نازل شد. این امر اتفاقی نیست که در قرآن یک مسلمانان آیه‌ای از سوره‌ی مریم ذکر شده که از قول عیسی (ع) آمده است: «و بر من در روزی زادم و در روزی که درگذرم و روزی که زنده برانگیخته شوم، درود باد». این آیه داستان عیسی را در اولین سوره‌ای که درباره‌ی اوست، خاتمه می‌دهد. این سوره از بشارت به مریم، مادرش او به وسیله‌ی روح الهی و ولادت عیسی (ع) سخن می‌گوید. برای بررسی این مسائل، به قدر کافی دلیل و انگیزه وجود دارد:

ولادت عیسی مسیح (ع) و قرآن یک انگیزه برای گفتگوی ژرف‌گرایانه بین مسیحیان و مسلمانان درباره‌ی مسائل اصولی اعتقادی‌شان. این کتاب قصد آن دارد تا از طریق کاری دقیق روی متون کهن انجیل عهد جدید و قرآن توجه به این گفتگو معطوف سازد.

جای آن دارد که نکته‌ای در این خصوص ذکر کرد. چند سال پیش پژوهشی درباره‌ی موضوع «عید میلاد مسیح (ع)» آغاز کردم. ابتدا از نظر ادبی و سپس از نظر مذهبی - تاریخی، به‌ویژه در اثر توماس مان بدون آن که هدفی مشخص را دنبال کنم، به این اثر در این رابطه به چاپ رسیدند که به گونه‌ای عمیق به یکدیگر مربوطند: «عید کریسمس در آلمان». متونی بلند از توماس مان تا راینر کونتسه «انتشارات پاتموس، دوسلدورف 2004» و «عید کریسمس با توماس مان» «انتشارات پاتموس، دوسلدورف 2006». اگرچه همیشه به این جنبه‌ی مذهبی عید میلاد حضرت عیسی (ع) اشاره شده، اما همواره برایم روشن بود پیام عید میلاد

۱. جزئیات بیش‌تر در این‌باره رجوع به:

مسیح (ع) در خور شکلی هدفمند است، اما به گونه‌ای که انجیل و قرآن با یکدیگر از در گفتگو درآیند، به شیوه‌ای که در اثری از من روی داده است، اثری که من در پاییز ۲۰۰۷ پس از سال‌ها کار توانستم عرضه دارم و این اثر پیوندهای درونی یهودیت، مسیحیت و اسلام را با بهره‌گیری از مطالبی که در انجیل ریشه دارند، نشان می‌دهد: «یهودیان، مسیحیان، مسلمانان: تبار (مشرک) و آینده» [نشر پاتموس، دوسلدورف 2007].

در این کتاب نیز بابی درباره‌ی «مریم و عیسی یا نشانه‌ی الهی برای همه‌ی جهان» وجود دارد. داستان ولایت عیسی (ع) در قرآن در این جا نیز نقشی دارد، مختصر و مفید، چنان که در چهار باب این برنامه‌ی بزرگ میسر بود، در هر حال بدون مرتبط کردن داستان ولادت عیسی در انجیل و عهد جدید به این موضوع پیوسته مورد نظرم بود که در خصوص این دو رویداد کلیدی کتابی ألفا کنیم. در آن هر دو روایت از ولادت عیسی (ع) در انجیل و قرآن را با یکدیگر چنان پیوند می‌دهم که قرآن هم تشابهات و هم اختلافات در ایمان مسیحیان و مسلمانان به شکلی دقیق آشکار شوند. این عبارت نیز از ابتدا مرا هدایت کرده است، عبارتی که من به عنوان شعار در آغاز این کتاب آوردم. مسیحیان و مسلمانان باید ورای مرزهای رواداری قدم بگذارند، با به رسمیت شناختن تفاوت‌ها، اما با در نظر داشتن تشابهات و برای آن سپاسگزار خداوند باشند».

امید می‌رود که این کتاب مسیحیان و مسلمانان را به مفهوم پیام صلح‌آمیز ولادت عیسی (ع) برای دریافتی بهتر و همکاری فعالانه‌تر در عرصه‌های صلح و زندگی برانگیزد.

کارل یاکوب وشل

توبینگن، جولای ۲۰۰۷